

## پایه گذاری حق رای

### زنان در آمریکا

(برگرفته از کتاب زنان بزرگ -

خانم یاسمن شریف

▼ سوزان براون ول آنتونی در شهر آدامز در ایالت ماساچوست آمریکا متولد شد. سوزان در مدرسه‌ی کویک در شهر فیلا دلفیا تحصیل کرد. او پس از پایان تحصیلاتش به تدریس در همان مدرسه پرداخت و به سبب لیاقت و کفایتی که از خود نشان داد به

مقام ریاست آکادمی «کاناژوهاری» در شهر نیویورک برگزیده شد. او در سال ۱۸۴۹ به نزد خانواده‌ای در مزرعه «روچستر» در حوالی نیویورک بازگشت و فعالیتش را در ده جبهه‌ی مبارزه با برده‌داری و همکاری با نهضت منع نوشابه‌های الکلی آغاز کرد.

در سال ۱۸۵۱ سوزان آنتونی در یک سخنرانی که ویلیام لوید کارسون علیه برده‌داری داشت با کوی استانتون آشنا شد. سوزان آنتونی سازمان‌دهنده نهضت مبارزه با منع نوشابه‌های الکلی شد. و کوی استانتون تئوریسین آن گردید. در سال ۱۸۵۲ سوزان آنتونی از نهضت مبارزه با منع مشروبات الکلی را در نیویورک تاسیس کرد و کوی استانتون را به ریاست آن برگزید و با سخنرانی خود پانصد نفر مردمی را که شرکت کرده بودند حیرت‌زده کرد و طی سخنرانی ابراز کرد که مست بودن باید جرم تلقی شود و زنان چنین مردانی باید حق طلاق داشته باشند. در سال ۱۸۶۰ سوزان آنتونی توانست لایحه‌ی مالکیت زنان متاهل را تصویب کند.

در سال ۱۸۶۹ نهضت زنان به سرپرستی سوزان آنتونی، موسسه ملی حق رای شرکت در انتخابات زنان را پایه‌ریزی کرد و نقطه‌نظرهای زنان را در روزنامه‌ی «انقلاب» که روزنامه‌ای فمینیست بود با امضای سوزان آنتونی انتشار داد. و در سال‌های ۱۸۸۱ و ۱۸۸۶ کتابی به اسم «تاریخ حق رای زنان» انتشار یافت.

از این سال به بعد هر سال در یک پیشنهاد اصلاحی برای قانون اساسی که به زنان حق رای می‌داد به کنگره آمریکا ارسال می‌شد اما آنان به آن بی‌اعتنایی و آن را رد می‌کردند تا نهایتاً در سال ۱۹۲۰ قانون حق رای زنان در آمریکا به تصویب رسید. اما سوزان آنتونی تا آن وقت زنده نماند تا موقعیتی را که انتظارش را می‌کشید به چشم ببیند. شعار سوزان آنتونی در زندگی این بود.

«شکست غیرممکن است، بکوش و مطمئن باش

که موفق خواهی شد». ▲

را به رشته تحریر درآورد و در آن کتاب به مسایل هویتی و نژادی سیاه‌پوستان از منظری متفاوت پرداخت. او معتقد است که حقوق سیاهان در طول تاریخ در بسیاری از موارد نادیده گرفته شده است. علاوه بر این او با ما در طول زندگی‌اش سیاه‌پوستی به شمار می‌آید که مسایل نژادی و هویتی همواره برایش بسیار مهم و با اهمیت تلقی می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد از دیگر عواملی که به موفقیت او کمک می‌کند، راه‌کارهای او برای بحران فعلی پیش‌روی نظام سرمایه‌داری باشد. بحران‌هایی که دکتترین بوش نتوانست راه‌حل‌های مناسب و اساسی چه از لحاظ نرم‌افزاری و (چه از لحاظ سخت‌افزاری) برای آن بیابد. عده‌ی زیادی او با ما را مرد میدان عمل و اصلاحات می‌دانند. اصلاحاتی که از یک دهه‌ی قبل نیاز به آن، احساس می‌شود. امروز در خیابان‌های ایالت‌های مختلف آمریکا دختران و پسران از الگوی تغییر او با ما و آینده روشن‌تر صحبت می‌کنند. اما به واقع آمریکا به کدام سو خواهد رفت؟ آیا او با ما می‌تواند همچنان وامدار پروژه‌ی اصلاحات بماند و به موفقیت دست یابد؟ شاید پاسخ به این سوالات و پیش‌بینی آینده بسیار دشوار باشد اما می‌توان این گونه عنوان کرد که او با ما دو مسیر و چشم‌انداز را در پیش رو دارد. یا اینکه او باید به تراژدی تاریخ پایان داده و مسیر جدیدی را برای آن رقم بزند همان طور که امروز جامعه آمریکا تشنه‌ی صلح، عشق و آینده بهتر می‌باشد و جهان نیز چشم به تحولات تاریخی و اجتماعی جامعه آمریکا دارد و با حرکت او با ما در همین مسیر می‌توان امیدوار بود که کشتی توفان‌زده با رهبری او تا حدی به ساحل آرامش و امنیت برسد. اما راه دومی نیز وجود دارد که چندان امیدوارکننده نیست و آن اینکه او با ما در عمل نتواند به آرمان‌های اصلاحات وفادار مانده و همچنان از سنت محافظه‌کاری تبعیت نماید که در آن صورت نمی‌توان انتظار تغییرات عمیق و ساختاری را داشت.

به هر حال آنچه مهم است، اینکه باید به انتظار بنشینیم و نظاره‌گر آینده باشیم. ▲

این روزها در رسانه‌های آمریکا مساله جنگ از زوایای گوناگونی مورد تفسیر و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مردم که نسبت به دوره‌های قبل بسیاری از خدمات رفاهی خود را از دست داده‌اند، بیشتر از گذشته بانیان جنگ را مورد نکوهش و انتقاد قرار می‌دهند.

گفته می‌شود هر اندازه در دوره بیل کلینتون نظام تامین اجتماعی و بودجه‌های رفاهی گسترش یافت، در دوره جرج بوش به دلیل مشکلات و هزینه‌های بالای جنگ، بسیاری از بودجه‌های رفاهی کاسته شد.

یکی از نقاط اصلی تمرکز او با ما بحث همین بودجه‌های رفاهی از جمله بیمه‌های بازنشستگی، بیمه‌های خدمات درمانی و توجه ویژه به سیاه‌پوستان است. از طرف دیگر با توجه به اینکه از لحاظ ساختار طبقاتی، حدود ۶۰ درصد جمعیت این کشور را طبقات متوسط و بیش از ۱۵ درصد را طبقات فرودست تشکیل می‌دهند، توجه به حقوق و رفاه طبقات فرودست و متوسط جزو اساس و اهم توجهات دولت جدید آمریکاست. برخی از کارشناسان مسایل سیاسی می‌گویند در آمریکا در طول سال‌های متمادی سیاهان از حقوق برابر با سفیدپوستان برخوردار نبودند. حتی به طور سنتی بخش اعظمی از این سیاهان در هیچ دوره‌ای در انتخابات شرکت نمی‌کردند و بعضاً در برخی از خرابکاری‌ها و عملیات تروریستی نیز مشارکت می‌کردند. اما برای اولین بار همه اقشار ستم‌دیده سیاه‌پوست در انتخابات رای خود را به او با ما دادند، تا او نماینده رسمی و حقیقی آنها باشد.

#### آینده او با ما

با همه این اوصاف یک سوال در ذهن هر فردی پررنگ است. او با ما که امروز رهبر اصلاحات شده است آیا می‌تواند به موفقیت برسد؟ آیا او می‌تواند به روح پدران خود مثل مارتین لوتر کینگ متعهد بماند؟ هر چند که او در گذشته نشان داده که به فرهنگ و هویت اصیل خود پایبند است.

او با ما در سال ۱۹۹۵ کتابی به نام رویاهایی از پدرم

